رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۸، شماره پیاپی ۱۲۵، آبان ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(8), 2026

اثربخشی آموزش سیستمی والدگری بر رابطه‌ی والد-کودک، خودکارآمدی مادران و عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی شهر اهواز

The effectiveness of systematic parenting training on parent-child relationship, mothers' self-efficacy and self-esteem of preschool children in Ahvaz city

زینب زاهدکریمی
کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
عباس امان‌الهی (نویسنده مسئول)
استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
خالد اصلانی
دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

Zeinab Zahedkarimi
M.A. in Counseling and Guidance, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
Abbas Amanelahi *
Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. a.amanelahi@scu.ac.ir
Khaled Aslani
Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش سیستمی والدگری بر رابطه‌ی والد-فرزند، خودکارآمدی والدگری مادران و عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی شهر اهواز انجام شد. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه این پژوهش را مادران دانش‌آموزان پیش‌دبستانی شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ تشکیل دادند. از بین آن‌ها ۳۰ نفر واجد شرایط با روش نمونه‌گیری هدفمند وارد مطالعه و به‌صورت تصادفی در گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جای‌گذاری شدند. گروه آزمایش ۷ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش سیستمی والدگری را دریافت کردند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه رابطه‌ی والد-فرزند (PCRI؛ جرارد، ۱۹۹۴)، پرسشنامه خودکارآمدی والدگری (PSAM؛ دومکا و همکاران، ۱۹۶۶) و پرسشنامه عزت‌نفس (SEC؛ عزیزی‌مقدم، ۱۳۸۶) انجام گردید. داده‌های پژوهش به روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون، بین میانگین پس‌آزمون رابطه‌ی والد-فرزند، خودکارآمدی والدگری و عزت‌نفس در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود داشت. از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش سیستمی والدگری تأثیر قابل‌قبولی در بهبود رابطه‌ی والد-فرزند، افزایش خودکارآمدی والدگری مادران و عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی داشته است.

واژه‌های کلیدی: *آموزش سیستمی والدگری، رابطه والد-فرزندی، خودکارآمدی مادران، عزت نفس کودک.*

Abstract

The present study aimed to determine the effectiveness of systematic parenting education on the parent-child relationship, mothers' parenting self-efficacy, and the self-esteem of preschool children in Ahvaz. The research method was quasi-experimental with a pretest-posttest control group design. The statistical population consisted of mothers of preschool students in Ahvaz during the 2025–2026 academic year. Among them, 30 eligible participants were selected using purposive sampling and randomly assigned to either the experimental group (n = 15) or the control group (n = 15). The experimental group received seven 90-minute sessions of systematic parenting education. Data were collected using the Parent-Child Relationship Inventory (PCRI; Gerard, 1994), the Parenting Self-Agency Measure (PSAM; Dumka et al., 1996), and the Children's Self-Esteem Scale (SEC; Azizi-Moghadam, 2007). The data were analyzed using multivariate analysis of covariance (MANCOVA). The findings revealed that after controlling for the pretest effect, there was a significant difference between the posttest means of the parent-child relationship, parenting self-efficacy, and children's self-esteem in the experimental and control groups at the 0.05 significance level. Based on these findings, it can be concluded that the systematic parenting education program has a satisfactory effect on improving the parent-child relationship and increasing both mothers' parenting self-efficacy and the self-esteem of preschool children.

Keywords: *Systematic Parenting Education, Parent-Child Relationship, Mothers' Self-Efficacy, Child's Self-Esteem.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** تیر ۱۴۰۵ | **پذیرش:** مرداد ۱۴۰۵ | **ویرایش نهایی:** آبان ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

مقدمه

خانواده نخستین بستر رشد، اجتماعی‌شدن و پرورش هیجانی[1] کودک است و والدین، به‌ویژه مادران، در شکل‌گیری بسیاری از ابعاد تحولی او نقش اساسی دارند. تجربه‌های اولیه کودک در محیط خانواده می‌تواند بر احساس امنیت، خودپنداره[2]، الگوهای ارتباطی[3] و کیفیت سازگاری[4] بعدی او اثر بگذارد؛ از همین رو، در سال‌های اخیر سلامت روانی و تحولی کودکان خردسال به یکی از محورهای مهم پژوهش‌های حوزه سلامت و آموزش تبدیل شده است (سان[5] و همکاران، ۲۰۲۵). چاسون[6] و همکاران (۲۰۲۵) نشان داده‌اند که کیفیت محیط خانوادگی با پیامدهای هیجانی و رفتاری کودک رابطه معناداری دارد؛ همچنین بایار[7] و همکاران (۲۰۲۶) تأکید کرده‌اند که تعامل‌های اولیه والد ـ کودک می‌تواند آثار کوتاه‌مدت و بلندمدتی بر رشد اجتماعی و عاطفی کودک بر جای بگذارد. ازاین‌رو، بررسی متغیرهای خانوادگی مؤثر بر رشد کودک، به‌ویژه در سال‌های پیش‌دبستانی، اهمیتی ویژه دارد. در این میان، رابطه والد ـ فرزند[8] یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت تعامل خانوادگی است. این رابطه به چگونگی پیوند عاطفی، ادراکی و رفتاری میان والد و کودک اشاره دارد و می‌تواند از الگوی گرم، حمایت‌گر و ایمن تا الگوی سرد، تعارض‌آمیز و آسیب‌زا متغیر باشد. شو و کیائو[9] (۲۰۲۵) گزارش کرده‌اند کودکانی که در بستر روابط مثبت والدینی رشد می‌کنند، در تنظیم هیجان و سازگاری اجتماعی عملکرد مطلوب‌تری نشان می‌دهند. همچنین گرونبرگ[10] و همکاران (۲۰۲۵) بیان کرده‌اند که گوش‌دادن فعال، پذیرش، احترام متقابل و پاسخ‌دهی حساس از جمله مؤلفه‌هایی هستند که به استحکام رابطه والد ـ کودک کمک می‌کنند. در مقابل، الگوهایی مانند طرد عاطفی، تحقیر، نادیده‌گرفتن نیازهای کودک و تعارض‌های مکرر می‌توانند زمینه بروز مشکلات رفتاری و هیجانی را افزایش دهند. بنابراین، رابطه والد ـ فرزند نه‌تنها یک متغیر ارتباطی، بلکه یکی از بنیان‌های اساسی سلامت روان و رشد متعادل کودک است.

یکی دیگر از سازه‌های مهم در کیفیت فرزندپروری، خودکارآمدی والدگری[11] است. این مفهوم به باور والد نسبت به توانایی خود در مدیریت موقعیت‌های مرتبط با تربیت فرزند اشاره دارد و تعیین می‌کند که او تا چه اندازه در ایفای نقش والدینی احساس شایستگی، کنترل و اثربخشی می‌کند (لیو[12] و همکاران، ۲۰۲۶). به باور گرونبرگ و همکاران (۲۰۲۵)، والدینی که خودکارآمدی بالاتری دارند، در مواجهه با مشکلات تربیتی از ثبات، انعطاف و اطمینان بیشتری برخوردارند. از سوی دیگر، پایین‌بودن خودکارآمدی والدگری می‌تواند با احساس درماندگی، اضطراب در نقش والدینی و ناپایداری در برخورد با رفتارهای کودک همراه شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این سازه با کیفیت رابطه والد ـ کودک، سبک‌های فرزندپروری و پیامدهای تحولی کودک ارتباط نزدیک دارد (لیو و همکاران، ۲۰۲۶؛ دیوی[13] و همکاران، ۲۰۲۵). به‌طوری‌که مادرانی که خود را در نقش مادری توانمندتر ارزیابی می‌کنند، معمولاً تعامل‌های سازنده‌تر و حمایت‌گرانه‌تری با فرزندان خود برقرار می‌کنند. در نتیجه، خودکارآمدی والدگری را می‌توان یکی از پایه‌های مهم روابط سالم خانوادگی و عملکرد مؤثر والدینی دانست (فلورین[14] و همکاران، ۲۰۲۵).

در کنار این متغیرها، عزت‌نفس کودک[15] نیز از مهم‌ترین شاخص‌های رشد روان‌شناختی در سال‌های اولیه زندگی است. عزت‌نفس به احساس ارزشمندی، کفایت و نگرش مثبت فرد نسبت به خود اشاره دارد و در شکل‌گیری اعتمادبه‌نفس، انگیزش، سازگاری اجتماعی و تاب‌آوری نقش مهمی ایفا می‌کند. سچمیوک[16] و همکاران (۲۰۲۳) عزت‌نفس را یکی از عوامل محافظ در برابر مشکلات هیجانی و رفتاری آینده معرفی کرده‌اند. همچنین ترونک‌دام[17] و همکاران (۲۰۲۳) نشان داده‌اند که کیفیت تعامل‌های خانوادگی و بازخوردهای والدینی از

1. emotional nurturing
2. self-concept
3. communication patterns
4. quality of adaptation
5. Sun
6. Chasson
7. Bayar
8. parent-child relationship
9. Xu & Qiao
10. Grunberg
11. parenting self-efficacy
12. Liu
13. Dewi
14. Florean
15. child's self-esteem
16. Schmuck
17. Trong Dam

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری خودارزشمندی در کودکان است. بتانکویرت[1] و همکاران (۲۰۲۴) نیز تأکید کرده‌اند کودکانی که از سوی والدین خود پذیرش، تشویق و حمایت هیجانی بیشتری دریافت می‌کنند، معمولاً از عزت‌نفس بالاتری برخوردارند. در همین راستا، سرفراز[2] و همکاران (۲۰۲۴) گزارش کرده‌اند که روابط منفی، انتقاد افراطی و مقایسه مداوم می‌تواند به تضعیف خودپنداره و احساس بی‌ارزشی در کودک منجر شود. بنابراین، عزت‌نفس کودک را باید برونندادی مهم از کیفیت روابط والدینی و فضای هیجانی خانواده دانست.

با توجه به اهمیت رابطه والد ـ فرزند، خودکارآمدی والدگری و عزت‌نفس کودک، استفاده از مداخلات آموزشی مؤثر برای بهبود این متغیرها ضروری است. یکی از رویکردهای مهم در این زمینه، آموزش سیستمی والدگری[3] یا برنامه STEP است که بر پایه دیدگاه آدلری شکل گرفته و بر اصولی مانند احترام متقابل، برابری انسانی، درک هدفمند رفتار کودک، تقویت مسئولیت‌پذیری و استفاده از پیامدهای منطقی و طبیعی تأکید دارد (دینک مایر و کی[4]، ۱۹۹۷، به نقل از پاکروسنیس[5] و همکاران، ۲۰۲۵). در این رویکرد، والدین می‌آموزند که به‌جای کنترل افراطی، تنبیه و واکنش‌های هیجانی ناکارآمد، از راهبردهایی مانند گفت‌وگوی مؤثر، تشویق مناسب، حل مسئله مشارکتی و درک بهتر نیازهای کودک استفاده کنند. وان‌در اورد و تریپ[6] (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که آموزش‌های والدینی می‌تواند کیفیت تعامل والد ـ کودک را بهبود بخشد. همچنین بیلمن[7] و همکاران (۲۰۲۳) و بکهاوس[8] و همکاران (۲۰۲۳) گزارش کرده‌اند که مداخلات والدگری در ارتقای شایستگی والدینی و کاهش مشکلات ارتباطی خانواده مؤثرند. مارمئت‌دولاک[9] و همکاران (۲۰۲۴) نیز بر نقش آموزش والدین در بهبود خودکارآمدی و کاهش تنش‌های تربیتی تأکید کرده‌اند. در پژوهش‌های داخلی نیز متقی (۱۴۰۳) نشان داد آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به افزایش خودکارآمدی والدینی مادران منجر می‌شود و محمدزاده و همکاران (۱۴۰۳) نیز گزارش کردند که برنامه والدین هانن از طریق ارتقای کیفیت تعامل والد با کودک، مهارت‌های ارتباطی کودکان را بهبود می‌دهد. در حوزه عزت‌نفس نیز الشنوم[10] و همکاران (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری و میزان مشارکت والدین در فعالیت‌های کودک با سطح عزت‌نفس او رابطه دارد.

با وجود این، مرور مطالعات موجود نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها یا بر یکی از پیامدهای فرزندپروری متمرکز بوده‌اند یا انواع متفاوتی از آموزش‌های والدین را بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های کمتری اثربخشی آموزش سیستمی والدگری را به‌طور هم‌زمان بر رابطه والد ـ فرزند، خودکارآمدی والدگری مادران و عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی بررسی کرده‌اند. افزون بر این، به نظر می‌رسد این خلأ در بافت فرهنگی و آموزشی شهر اهواز برجسته‌تر باشد؛ زیرا شرایط اجتماعی، خانوادگی و تربیتی هر جامعه می‌تواند بر نحوه اثرگذاری مداخلات والدینی تأثیر بگذارد. از نظر نظری، بررسی هم‌زمان این سه متغیر می‌تواند به روشن‌تر شدن سازوکار اثر آموزش والدین بر تعاملات خانوادگی و پیامدهای تحولی کودک کمک کند و از نظر کاربردی، زمینه طراحی مداخلات مؤثرتر برای مادران کودکان پیش‌دبستانی را فراهم سازد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش سیستمی والدگری بر رابطه والد ـ فرزند، خودکارآمدی والدگری مادران و عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی شهر اهواز انجام شد.

روش

پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون ـ پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل مادران دارای کودک دختر ۶ ساله شاغل به تحصیل در مراکز پیش‌دبستانی شهر اهواز، استان خوزستان، در سال ۱۴۰۵ بود. برای انتخاب نمونه تعداد ۳۰ نفر از افراد واجد سرایط به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و به صورت تصادفی در گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. شرایط ورود به مطاللعه شامل: داشتن فرزند دختر ۶ ساله در دوره پیش‌دبستانی، رضایت آگاهانه و تمایل به شرکت در پژوهش، داشتن حداقل سواد در سطح راهنمایی برای تکمیل پرسشنامه‌ها و انجام تکالیف، عدم دریافت هم‌زمان خدمات مشاوره‌ای یا روان‌شناختی

1. Betancourt
2. Sarfaraz
3. systematic Ttraining for Effective Parenting
4. Dink Meyer & Kay
5. Pakrosnis
6. Van der Oord & Tripp
7. Beelmann
8. Backhaus
9. Marquet-Doleac
10. Elshanum

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

در طول اجرای مداخله، و برخورداری از سلامت جسمی و روانی و نداشتن پرونده روان‌پزشکی بود. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل انصراف مادر از ادامه همکاری در هر مرحله از مطالعه، غیبت بیش از دو جلسه در برنامه آموزشی برای اعضای گروه آزمایش، عدم تکمیل یا ناقص‌بودن پرسشنامه‌های پیش‌آزمون یا پس‌آزمون به‌گونه‌ای که نمره‌گذاری آن‌ها امکان‌پذیر نباشد، شروع دریافت مداخلات هم‌زمان برای کودک در طول اجرای پژوهش؛ از جمله روان‌درمانی، کاردرمانی، گفتاردرمانی، بازی‌درمانی یا دارودرمانی روان‌پزشکی، و نیز وقوع شرایط یا رویدادهای پیش‌بینی‌نشده‌ای مانند بستری‌شدن کودک یا مادر که ادامه مشارکت در پژوهش را مختل کند، بود. ملاحظات اخلاقی این پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه و کتبی از مادران جهت شرکت در مطالعه، و ارائه اطلاعات شفاف درباره اهداف و روند اجرای مداخله بود. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات به‌دست‌آمده کاملاً محرمانه باقی می‌ماند و تحلیل داده‌ها صرفاً به‌صورت گروهی و بدون ذکر نام انجام خواهد شد؛ همچنین آن‌ها حق دارند در هر مرحله از پژوهش بدون هیچ‌گونه پیامدی از ادامه همکاری انصراف دهند. در نهایت، به‌منظور رعایت عدالت آموزشی و اخلاق پژوهش، پس از پایان مرحله پس‌آزمون، دوره‌ای فشرده از برنامه آموزش سیستمی والدگری مؤثر برای مادران گروه کنترل نیز برگزار شد. در پایان برای هر دو گروه پس‌آزمون اجرا شد. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری در قالب نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

سیاهه رابطه‌ی والد – فرزند[1] (PCRI): سیاهه رابطه والد ـ فرزند توسط جرارد[2] (۱۹۹۴) تدوین شده است و شامل ۷۸ گویه، ۷ خرده‌مقیاس اصلیِ حمایت والدینی (۹ گویه)، رضایتمندی از فرزندپروری (۱۰ گویه)، مشارکت در فرزندپروری (۱۴ گویه)، ارتباط با فرزند (۹ گویه)، ایجاد محدودیت (۱۲ گویه)، خودمختاری (۱۰ گویه) و جهت‌گیری نقش (۹ گویه)، و یک مقیاس فرعی روایی با عنوان مقبولیت اجتماعی است. این ابزار با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (هرگز=۱ تا همیشه=۵) نمره‌گذاری می‌شود و دامنه نمره کل آن بین ۷۸ تا ۳۹۰ است؛ به‌گونه‌ای که نمره بالاتر در خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل، بیانگر کیفیت مطلوب‌تر رابطه والد ـ فرزند و کارکرد مناسب‌تر والدینی است. جرارد (۱۹۹۴) برای نسخه اصلی این ابزار، ضریب همسانی درونی ۰/۸۲ و ضریب بازآزمایی آن را با فاصله زمانی دو هفته، ۰/۸۱ را گزارش کرده است. در ایران، شکوهی‌یکتا و همکاران (۱۳۹۴) پایایی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) را ۰/۸۲ و پایایی بازآزمایی را با بازه زمانی دو هفته، ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. روایی سازه این ابزار با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی و ساختار چندعاملی آن تأیید شده است؛ همچنین روایی همزمان آن از طریق همبستگی با مقیاس ارزیابی رابطه مادر-کودک (MCRS) بررسی شد که ضرایب همبستگی خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۵ و در سطح $p < ۰/۰۱$ معنادار گزارش شده است که نشان‌دهنده روایی همزمان مطلوب ابزار در جامعه ایرانی است (شکوهی‌یکتا و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش کاکابرایی (۱۳۹۵)، ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های حمایت والدینی، مشارکت در فرزندپروری، ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت، خودمختاری، جهت‌گیری نقش و رضایت از فرزندپروری به ترتیب برابر با ۰/۸۰، ۰/۷۸، ۰/۸۵، ۰/۷۹، ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۷۹ و برای کل ابزار ۰/۸۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی کل ابزار به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ برآورد گردید.

مقیاس خودکارآمدی والد[3] (PSAM): این مقیاس نخستین بار توس دومکا[4] و همکاران در سال ۱۹۹۶ برای ارزیابی سطوح کلی خودکارآمدی والدگری ساخته شده است و شامل ۱۰ گویه است که پنج گویه مثبت و پنج گویه منفی دارد و حس کلی والدین از اطمینان در نقش پدر یا مادر بودن را می‌سنجد. نمره‌گذاری آن براساس مقیاس لیکرت از دامنه ۱ (به ندرت) تا ۷ (همیشه) انجام می‌شود. سوالات ۱، ۳، ۵، ۶ و ۸ به صورت معکوس و بقیه به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات بالا در این مقیاس خودکارآمدی بالا و نمره‌ی پایی خودکارآمدی پایین را نشان می‌دهد. دومکا و همکاران (۱۹۹۶) همسانی درونی این پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند و در تایید روایی همگرایی، ضریب هبستگی آن با پرسشنامه احساس شایستگی والدینی ۰/۶۶ گزارش دادند. در ایران نیز طالعی و همکاران (۲۰۱۰) ضمن تایید روایی محتوایی پرسشنامه با مقدار بالاتر از ۰/۷۰ برای گویه‌ها، پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۷۸ بدست آمد.

1. Parent-Child Relationship Inventory
2. Gerard
3. parental agency (self-efficasy) measure
4. Dumka

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

پرسشنامه‌ی عزت نفس[1] (SEC): پرسشنامه عزت‌نفس کودکان توسط عزیزی‌مقدم (۱۳۸۶) ساخته شده است و شامل ۲۰ گویه است که برای سنجش عزت‌نفس کودکان به کار می‌رود. این ابزار دارای ۵ بعد شامل عزت‌نفس کلی، اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و جسمانی است و گویه‌ها بر اساس مقیاس چهاردرجه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم نمره‌گذاری می‌شوند. در این پرسشنامه، گویه‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۹ و ۲۰ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. خرده‌مقیاس عزت‌نفس اجتماعی با گویه‌های ۶ تا ۹، عزت‌نفس تحصیلی با گویه‌های ۱۰ تا ۱۳، عزت‌نفس خانوادگی با گویه‌های ۱۴ تا ۱۷ و عزت‌نفس جسمانی با گویه‌های ۱۸ تا ۲۰ سنجیده می‌شود. با توجه به ۲۰ گویه و مقیاس چهاردرجه‌ای، دامنه نمرات کل پرسشنامه از ۲۰ تا ۸۰ است؛ به‌گونه‌ای که نمره بالاتر نشان‌دهنده عزت‌نفس بیشتر کودک است. سازنده ابزار، پایایی کل پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ گزارش کرده است و همچنین، این ابزار بر اساس نظر متخصصان حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی از روایی محتوایی مناسب برخوردار است و ساختار آن برای سنجش ابعاد مختلف عزت‌نفس کودکان طراحی شده است (عزیزی مقدم، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمد.

پروتکل آموزش سیستمی والدگری موثر: گروه آزمایش به مدت ۷ جلسه، هر هفته یک جلسه و هر جلسه ۹۰ دقیقه براساس محتوای جلسات آموزش سیستمی والدگری موثر برگرفته از پژوهش مال[2] (۲۰۱۰) شرکت کردند. جلسات آموزشی و تمرینات به صورت گروهی به شرکت‌کنندگان ارائه شد. در ی جلسات نیز توصیه‌ها و پیشنهادهای عملی و نهایتاً ارائه تکالیف خانگی به شرکت‌کنندگان ارائه گردید. اجرای جلسات توسط پژوهشگر انجام گرفت. روش‌های آموزشی مورد استفاده شامل آموزش مستقیم، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، ایفای نقش، تمرین عملی و ارائه تکالیف خانگی بود. در ادامه خلاصه تمامی جلسات در جدول ۱ ارائه گردید:

جدول ۱: پروتکل آموزش سیستمی والدگری مؤثر

جلسه	هدف جلسه	محتوای جلسه	روش آموزش/تدریس	فعالیت یادگیری	مدت
۱	آشنایی اعضا با برنامه و مبانی والدگری مؤثر	معرفی اعضا، بیان اهداف و قوانین جلسات، آشنایی با ویژگی‌های کودکان پیش‌دبستانی، تبیین نقش والدین در شکل‌دهی رفتار کودک، توضیح سبک والدگری آزادمنشانه	سخنرانی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ	مشارکت در معرفی، بحث درباره ویژگی‌های کودک، دریافت تکلیف خانگی	۹۰ دقیقه
۲	شناخت علل و اهداف رفتار کودکان	مرور جلسه قبل، معرفی عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی کودک، تبیین مفهوم سوءرفتار و چهار هدف اصلی آن، آموزش تشخیص هدف سوءرفتار	آموزش مستقیم، مثال‌محور، بحث گروهی	تحلیل نمونه رفتارها و تشخیص هدف سوءرفتار، انجام تکلیف	۹۰ دقیقه
۳	تقویت عزت‌نفس کودک و بهبود ارتباط	مرور جلسه قبل، توضیح مفهوم عزت‌نفس، آموزش راهکارهای افزایش عزت‌نفس کودک، تبیین تفاوت تشویق و تمجید، آموزش تکنیک‌های ارتباط مؤثر	سخنرانی، ایفای نقش، تمرین عملی	تمرین جملات تشویقی و شیوه‌های تعامل مثبت با کودک	۹۰ دقیقه
۴	آموزش گوش دادن مؤثر و پیام‌های من	مرور جلسه قبل، آموزش مهارت گوش دادن بازتابی، موارد کاربرد و عدم کاربرد آن، تبیین مفهوم پیام‌های من	آموزش مستقیم، تمرین دونفره، ایفای نقش	تمرین گوش دادن فعال و استفاده از پیام‌های من در موقعیت‌های فرضی	۹۰ دقیقه
۵	افزایش همکاری و حل مسئله در خانواده	مرور جلسه قبل، توضیح مفهوم همکاری، بررسی مشکلات رایج والد-کودک، آموزش ۵ گام حل مسئله، معرفی جلسات خانوادگی	بحث گروهی، حل مسئله، آموزش مشارکتی	تمرین مراحل حل مسئله و شبیه‌سازی جلسه خانوادگی	۹۰ دقیقه

1. Self-Esteem Checklist
2. Male

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

۶	آموزش انضباط مؤثر	مرور جلسه قبل، توضیح مفهوم انضباط مؤثر، بررسی محدودیت‌های پاداش و تنبیه، آموزش روش‌های منطقی و مؤثر برای هدایت رفتار کودک	سخنرانی، تحلیل موقعیت، پرسش و پاسخ	بررسی نمونه‌های واقعی و انتخاب پاسخ انضباطی مناسب	۹۰ دقیقه
۷	ارتقای رشد عاطفی و اجتماعی کودک و جمع‌بندی	مرور جلسه قبل، آموزش درک رشد عاطفی و اجتماعی کودکان، بررسی چالش‌های عاطفی والدین، آموزش راهکارهای ایجاد دلبستگی اجتماعی، جمع‌بندی مطالب	بحث گروهی، جمع‌بندی، بازخوردگیری	مرور آموخته‌ها، طرح پرسش، جمع‌بندی نهایی	۹۰ دقیقه

یافته ها

به‌منظور توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای سن مادر، سن فرزند، سطح تحصیلات و وضعیت شغلی در دو گروه آزمایش (آموزش سیستمی والدگری مؤثر) و کنترل محاسبه گردید؛ نتایج نشان داد که میانگین سن مادران در گروه آزمایش ۳۲/۳۱ سال با انحراف معیار ۳/۰ و در گروه کنترل ۱۳/۳۳ سال با انحراف معیار ۳/۸ بود و میانگین سن فرزندان (دختران پیش‌دبستانی) در گروه آزمایش ۶/۱۲ سال با انحراف معیار ۰/۲۸ و در گروه کنترل ۶/۰۸ سال با انحراف معیار ۰/۳۱ به دست آمد. همچنین از نظر سطح تحصیلات مادران، در گروه آزمایش ۳ نفر (۲۰٪) دارای مدرک دیپلم و فوق‌دیپلم، ۹ نفر (۶۰٪) کارشناسی و ۳ نفر (۲۰٪) کارشناسی ارشد و بالاتر بودند و در گروه کنترل نیز ۴ نفر (۲۶/۷٪) دیپلم و فوق‌دیپلم، ۸ نفر (۵۳/۳٪) کارشناسی و ۳ نفر (۲۰٪) دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر گزارش شدند؛ از نظر وضعیت شغلی نیز در گروه آزمایش ۱۰ نفر (۶۶/۷٪) خانه‌دار و ۵ نفر (۳۳/۳٪) شاغل بودند و در گروه کنترل ۱۱ نفر (۷۳/۳٪) خانه‌دار و ۴ نفر (۲۶/۷٪)، شاغل گزارش شدند که این توزیع در مجموع نشان‌دهنده همگنی و تشابه نسبی مناسب دو گروه در متغیرهای زمینه‌ای پیش از اجرای مداخله است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیرها	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
رابطه‌ی والد-فرزند	گروه آزمایش	۲۲۰/۹۳	۲۰/۱۵	۲۳۰/۸۰	۱۸/۲۶
	گروه کنترل	۲۲۵/۰۶	۲۱/۹۹	۲۲۴/۵۳	۲۱/۹۷
خودکارآمدی مادران	گروه آزمایش	۵۰/۴۰	۹/۳۲	۵۵/۶۶	۷/۶۵
	گروه کنترل	۴۸/۵۳	۸/۹۹	۴۷/۴۰	۹/۷۳
عزت‌نفس	گروه آزمایش	۶۴/۵۳	۷/۳۸	۶۹/۴۰	۶/۰۵
	گروه کنترل	۶۳/۳۳	۵/۶۵	۶۲/۶۶	۶/۳۲

نتایج ارائه‌شده در جدول ۲ حاکی از آن است که آموزش سیستمی والدگری مؤثر به تغییر در میانگین نمرات رابطه والد-فرزند، خودکارآمدی مادران و عزت‌نفس در مرحله پس‌آزمون منجر شده است. قبل از ارائه نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض‌های نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیرهای رابطه والد-فرزند، خودکارآمدی مادران و عزت‌نفس در گروه‌های آزمایش و گواه برقرار بود ($p>۰/۰۵$). همچنین نتایج آزمون لوین نشان داد که پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است ($p>۰/۰۵$). نتایج اثر متقابل متغیر مستقل و پیش‌آزمون‌های رابطه والد-فرزند، خودکارآمدی مادران و عزت‌نفس معنادار نبود ($p>۰/۰۵$). بنابراین فرضیه همگنی شیب رگرسیون نیز تایید شد. همچنین با توجه به اینکه کوواریانس‌های متغیرهای پس‌آزمون در دو گروه با هم برابر بود و تفاوت معنی‌داری نداشتند ($p>۰/۰۵$). بنابراین فرض همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس نیز برقرار بود. جهت بررسی تغییرات رابطه والد-فرزند، خودکارآمدی مادران و عزت‌نفس از تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره نمرات پس‌آزمون متغیرهای پژوهش در دو گروه آزمایش و کنترل

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۵۸	۷/۸۲	۳	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۰/۹۷
لامبدای ویلکز	۰/۴۲	۷/۸۲	۳	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۰/۹۷
اثر هتلینگ	۱/۳۸	۷/۸۲	۳	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۵۳	۰/۹۷
بزرگ‌ترین ریشه روی	۱/۳۸	۷/۸۲	۳	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۶۷	۰/۹۷

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، با توجه به معنی‌داری تحلیل کوواریانس چندمتغیری، این نتیجه حاصل می‌گردد که باید حداقل در یکی از متغیرهای رابطه والد-فرزند، خودکارآمدی مادران و عزت‌نفس، بین دو گروه آزمایش و گواه در اثر ارائه آموزش سیستمی والدگری تفاوت معنی‌دار وجود داشته باشد (F=۷/۸۲، p<۰/۰۰۱). جهت بررسی این نکته که معنی‌داری مشاهده شده در کدام یک از متغیرها است، از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره جهت مقایسه نمرات پس‌آزمون در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع واریانس	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
پیش‌آزمون	رابطه‌ی والد-فرزند	۶۳/۴۰	۱	۶۳/۴۰	۴/۵۰	۰/۰۳۷	۰/۰۴۹
	خودکارآمدی والدگری	۱۳/۰۹	۱	۱۳/۰۹	۰/۶۴	۰/۴۲۷	۰/۰۰۹
	عزت نفس کودک	۹/۷۵	۱	۹/۷۵	۰/۴۷	۰/۴۹۴	۰/۰۰۶
گروه	رابطه‌ی والد-فرزند	۷۸۳/۶۵	۲	۳۹۱/۸۲	۶/۱۸	۰/۰۰۴	۰/۲۳۲
	خودکارآمدی والدگری	۷۵۱/۰۳	۲	۳۷۵/۵۱	۲۸/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۵۸۳
	عزت نفس کودک	۲۲۸/۸۷	۲	۱۱۴/۴۳	۱۱/۷۳	۰/۰۰۱	۰/۳۶۴
خطا	رابطه‌ی والد-فرزند	۱۹۶۹/۸۸	۳۱	۶۳/۵۴	-	-	-
	خودکارآمدی والدگری	۴۰۵/۸۵	۳۱	۱۳/۰۹	-	-	-
	عزت نفس کودک	۶۳۶/۹۰	۳۱	۲۰/۵۴	-	-	-

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، با کنترل اثر پیش‌آزمون رابطه والد-فرزند، تفاوت معنی‌داری بین گروه آزمایش و گواهی وجود دارد (P<۰/۰۱، F=۶/۱۸). اندازه اثر نشان می‌دهد که عضویت گروهی (آموزش سیستمی والدگری)، ۲۳ درصد از تفاوت در نمرات رابطه‌ی والد-فرزند را تبیین می‌کند. بنابراین ۲۳ درصد از تفاوت بین میانگین نمرات رابطه‌ی والد-فرزند در گروه آزمایش در دو سطح پیش‌آزمون (M=۲۲۰/۹۳) و پس‌آزمون (M=۲۳۰/۸۰)، ناشی از آموزش سیستمی والدگری است. همچنین با کنترل اثر پیش‌آزمون در خودکارآمدی والدگری، تفاوت معنی‌درای بین گروه آزمایش و گواه وجود دارد (P<۰/۰۱، F=۲۸/۶۸). اندازه اثر نشان می‌دهد که عضویت گروهی (آموزش سیستمی والدگری)، ۵۸ درصد از تفاوت در نمرات خودکارآمدی والدگری را تبیین می‌کند. بنابراین ۵۸ درصد از تفاوت بین میانگین نمرات خودکارآمدی والدگری در گروه آزمایش در دو سطح پیش‌آزمون (M=۵۰/۴۰) و پس‌آزمون (M=۵۵/۶۶)، ناشی از آموزش سیستمی والدگری است. همچنین با کنترل اثر پیش‌آزمون در عزت نفس، تفاوت معنی‌درای بین گروه آزمایش و گواه وجود دارد (P<۰/۰۱، F=۱۱/۷۳).در نهایت اندازه اثر نشان می‌دهد که عضویت گروهی (آموزش سیستمی والدگری)، ۳۶ درصد از تفاوت در نمرات عزت نفس کودک را تبیین می‌کند. بنابراین ۳۶ درصد از تفاوت بین میانگین نمرات خودکارآمدی والدگری در گروه آزمایش در دو سطح پیش‌آزمون (M=۶۴/۵۳) و پس‌آزمون (M=۶۹/۴۰)، ناشی از آموزش سیستمی والدگری است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش سیستمی والدگری بر رابطه والد–کودک، خودکارآمدی والدگری مادران و عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی شهر اهواز انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش سیستمی والدگری در بهبود هر سه متغیر مذکور اثربخش بوده است. از آنجا که یافته‌های این پژوهش در سطح نمره کل متغیرها گزارش شد، تفسیر نتایج نیز بر همین اساس ارائه می‌شود.

نخستین یافته پژوهش نشان داد آموزش سیستمی والدگری مؤثر موجب بهبود معنادار رابطه والد–کودک شد، که این یافته با پژوهش‌های پیشین در زمینه ارتقای تعاملات مثبت و پیوند عاطفی میان والد و کودک همسو است (لیائو و همکاران، ۲۰۲۶؛ براون و همکاران، ۲۰۲۵؛ وان‌در اورد و تریپ، ۲۰۲۰؛ بکهاوس و همکاران، ۲۰۲۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت آموزش والدگری با ارتقای آگاهی والدین از ویژگی‌های رشدی کودک و تبیین نقش آن‌ها در شکل‌دهی رفتار، مانع از نسبت‌دادن‌های خصمانه یا برچسب‌زنی به رفتارهای کودک شده و تعارض‌های روزمره را کاهش می‌دهد (وان‌در اورد و تریپ، ۲۰۲۰). همچنین، تشخیص اهداف رفتارهای نامطلوب کودک به والدین کمک می‌کند تا به جای اتخاذ رویکردهای تکانشی و کنترل‌گرانه، پاسخ‌های سنجیده‌تر و متناسب‌تری ارائه دهند و چرخه‌های منفی تعاملی را قطع کنند (براون و همکاران، ۲۰۲۵). افزون بر این، تقویت مهارت‌های ارتباطی والد از جمله گوش‌دادن فعال، همدلی و بیان غیرسرزنشگر خواسته‌ها، تجربه درک‌شدن را در کودک تقویت کرده و رابطه‌ای گرم‌تر و حمایت‌گرتر ایجاد می‌کند، که این امر انگیزه کودک را برای همکاری افزایش داده و تعاملات مثبت را پایدار می‌سازد (چاسون و همکاران، ۲۰۲۵). در نهایت، جایگزین شدن شیوه‌های انضباطی منطقی و راهبردهای حل مسئله مشترک به جای روش‌های تنبیهی و کنترل افراطی، تنش‌های والد-کودک را کاهش داده و با فراهم‌سازی بستر گفت‌وگوی مؤثر، کیفیت رابطه والد–کودک را بهبود می‌بخشد (براون و همکاران، ۲۰۲۵).

یافته دوم پژوهش نشان داد آموزش سیستمی والدگری مؤثر موجب افزایش معنادار خودکارآمدی والدگری مادران شد؛ این یافته با نتایج پژوهش‌های متقی (۱۴۰۳)، هاشمی و همکاران (۱۴۰۲)، بیلمن و همکاران (۲۰۲۳)، مارمئت‌دولاک و همکاران (۲۰۲۴) و وان‌در اورد و تریپ (۲۰۲۰) همسو است که اثربخشی آموزش‌های فرزندپروری را در افزایش احساس توانمندی و کفایت والدین گزارش کرده‌اند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت خودکارآمدی والدگری به باور مادر درباره توانایی خود برای درک رفتار کودک، مدیریت موقعیت‌های تربیتی، برقراری ارتباط مؤثر و حل مسائل مرتبط با فرزندپروری اشاره دارد؛ بنابراین، هر اندازه مادر خود را در ایفای این نقش تواناتر بداند، با اطمینان و انعطاف بیشتری با دشواری‌های تربیتی مواجه می‌شود (گرونبرگ و همکاران، ۲۰۲۵). آموزش سیستمی والدگری با افزایش آگاهی مادران از ویژگی‌ها و نیازهای کودک، آموزش تشخیص هدف رفتارهای نامطلوب و ارائه راهبردهای عملی برای پاسخ‌دهی مناسب، می‌تواند ابهام و احساس ناتوانی آنان را در موقعیت‌های تربیتی کاهش دهد. همچنین، تمرین مهارت‌هایی مانند تشویق مؤثر، گوش‌دادن فعال، استفاده از پیام‌های «من»، حل مسئله مشارکتی و به‌کارگیری پیامدهای منطقی، مجموعه‌ای از پاسخ‌های قابل اجرا در اختیار مادر قرار می‌دهد؛ در نتیجه، مادر در مواجهه با رفتارهای دشوار کودک احساس کنترل و کفایت بیشتری می‌کند (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، تجربه به‌کارگیری موفق این مهارت‌ها در تعامل با کودک، باور مادر به توانایی خود در مدیریت امور والدگری را تقویت می‌کند و به افزایش خودکارآمدی والدگری می‌انجامد (فلورین و همکاران، ۲۰۲۵).

یافته سوم پژوهش نشان داد آموزش سیستمی والدگری مؤثر موجب افزایش معنادار عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی شد؛ این یافته با نتایج پژوهش‌های محمدزاده و همکاران (۱۴۰۳)، نشاطی و همکاران (۲۰۲۵)، الشنوم و همکاران (۲۰۲۴)، لیائو و همکاران (۲۰۲۶) و براون و همکاران (۲۰۲۵) همسو است که بر نقش آموزش والدین، بهبود تعاملات خانوادگی و سبک‌های فرزندپروری حمایت‌گر در شکل‌گیری خودپنداره مثبت کودکان تأکید کرده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان گفت عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی به عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر مشکلات هیجانی، تا حد زیادی در بستر بازخوردهای والدین، احساس ارزشمندی، احترام و پذیرش در محیط خانواده شکل می‌گیرد (ترونک‌دام و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به اینکه آموزش سیستمی والدگری با جایگزین کردن تشویق مؤثر به جای تمجیدهای توخالی یا انتقادهای مداوم، و حذف شیوه‌های تنبیهی و کنترل افراطی همراه است، مانع از تضعیف خودپنداره کودک در مواجهه با خطاها می‌شود (بتانکویرت و همکاران، ۲۰۲۴). علاوه بر این، به‌کارگیری مهارت گوش‌دادن فعال و پاسخ‌دهی حساس از سوی مادر، این پیام را به کودک منتقل می‌کند که افکار و احساسات او ارزشمند هستند، که این امر احساس کفایت و پذیرفته‌شدن را در او تقویت می‌کند (نشاطی و همکاران، ۲۰۲۵). همچنین، مشارکت دادن کودک در جلسات خانوادگی و استفاده از روش‌های حل مسئله

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

مشترک به جای تصمیم‌گیری‌های یک‌طرفه، حس ابراز وجود و خودتعیین‌گری را در کودک پرورش داده و در نهایت از طریق بهبود فضای هیجانی خانواده و اصلاح الگوهای ارتباطی مادر، به ارتقای عزت‌نفس کودک منجر می‌شود (براون و همکاران، ۲۰۲۵).

با وجود نتایج بدست آمده، مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود که تعمیم نتایج را نیازمند احتیاط می‌سازد. نخست، استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی (هدفمند) و حجم نمونه محدود (۳۰ مادر دارای فرزند دختر پیش‌دبستانی در شهر اهواز)، تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به پدران، کودکان پسر، دیگر گروه‌های سنی و سایر بافت‌های فرهنگی محدود می‌کند. دوم، پژوهش حاضر فاقد دوره پیگیری (مثلاً سه یا شش‌ماهه) بود؛ از این رو، پایداری و ماندگاری اثرات مداخله در طول زمان مشخص نیست. سوم، گردآوری داده‌ها صرفاً بر اساس ابزارهای خودگزارشی مادران انجام شد که می‌تواند با سوگیری در پاسخ‌دهی همراه باشد؛ همچنین عدم استفاده از منابع اطلاعاتی چندگانه مانند گزارش پدران، مربیان یا مشاهده مستقیم رفتار کودک، امکان ارزیابی عینی‌تر تغییرات را محدود ساخت. چهارم، در این پژوهش تحلیل‌ها تنها بر اساس نمره کل متغیرها انجام شد و ابعاد و خرده‌مقیاس‌های رابطه والد–کودک، خودکارآمدی و عزت‌نفس به‌طور مجزا بررسی نشدند که این امر مانع از شناخت دقیق‌تر سازوکار اثرگذاری مداخله بر هر بعد گردید. پنجم، به دلیل ماهیت طرح‌های نیمه‌آزمایشی، کنترل کامل تمام متغیرهای مداخله‌گر و زمینه‌ای (نظیر ویژگی‌های شخصیتی مادر، کیفیت رابطه زناشویی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری پیشین) امکان‌پذیر نبود. با توجه به محدودیت‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از روش نمونه‌گیری تصادفی، حجم نمونه بزرگ‌تر و جامعه‌های متنوع‌تر شامل پدران، مادران دارای فرزند پسر و کودکان در گروه‌های سنی و مناطق مختلف استفاده شود تا امکان تعمیم نتایج افزایش یابد. همچنین، اجرای آزمون‌های پیگیری سه‌ماهه، شش‌ماهه یا یک‌ساله برای بررسی پایداری آثار آموزش سیستمی والدگری مؤثر ضروری است. پیشنهاد می‌شود علاوه بر خودگزارشی مادران، از گزارش پدران، مربیان و مشاهده مستقیم تعامل والد–کودک نیز استفاده شود و تأثیر مداخله بر خرده‌مقیاس‌های متغیرهای پژوهش به‌صورت جداگانه بررسی گردد. همچنین، کنترل یا بررسی نقش متغیرهای مداخله‌گر مانند ویژگی‌های شخصیتی مادر، کیفیت رابطه زناشویی، وضعیت اقتصادی–اجتماعی و سبک فرزندپروری پیشین می‌تواند به تبیین دقیق‌تر سازوکار اثرگذاری مداخله کمک کند. با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش سیستمی والدگری مؤثر بر بهبود رابطه والد-کودک، افزایش خودکارآمدی والدگری مادران و ارتقای عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی، پیشنهاد می‌شود مشاوران، روان‌شناسان و متولیان سلامت روان در مراکز مشاوره خانواده، بهزیستی و مراکز پیش‌دبستانی شهر اهواز و سایر مناطق، از این پروتکل آموزشی به عنوان یک مداخله کاربردی و ساختاریافته جهت توانمندسازی مادران استفاده کنند. همچنین با توجه به اهمیت دوران پیش‌دبستانی در شکل‌گیری خودپنداره کودکان، آموزش و پرورش و مدیران مهدکودک‌ها می‌توانند کارگاه‌های دوره‌ای منظمی را بر پایه این الگو برای مادران برگزار نمایند تا با افزایش آگاهی تحولی و مهارت‌های گوش دادن فعال، حل مسئله مشارکتی و انضباط منطقی در مادران، بستر مناسبی برای بهبود تعاملات خانوادگی و تقویت عزت‌نفس کودکان فراهم شود.

منابع

شکوهی یکتا، م؛ شریفی، ع و معتمدیگانه، ن. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعامل والد-کودک. *مجله روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۲(۴۵)، ۱۴-۳. https://www.ensani.ir/fa/article/413113/

طالعی، ع؛ طهماسیان، ک و وفایی، نرگس. (۲۰۱۰). اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت و مدیریت والدین بر سبک‌های والدگری مثبت و مشکلات رفتاری-هیجانی کودکان. پژوهش‌های مشاوره، ۱۶(۶۲)، ۱۲۵-۹۸. https://jfr.sbu.ac.ir/article_96015.html

عزیزی مقدم، ا. (۱۳۸۶). *تهیه مقیاس ارزیابی میزان عزت‌نفس کودکان مرکز پیش‌دبستانی شهرستان مهاباد با تکنیک چک‌لیست* [ارائه در اولین همایش بین‌المللی دستاوردهای نوین علمی پژوهشی در آموزش و پرورش و علوم انسانی با رویکرد آسیب‌شناسی تربیتی، دینی و فرهنگی در ایران و جهان]. سیویلیکا. https://civilica.com/doc/2372178/

کاکابرایی، ک. (۱۳۹۵). تاثیر آموزش حل مسئله خانواده محور بر ارتباط والد-کودک دانش‌آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۲۶، ۶۲-۸۵.

متقی، ر. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد بر خودکارآمدی و رابطه والد-کودک در مادران جوان. *مجله آموزش پرستاری*، ۱۳(۱)، ۶۷-۵۸. http://jne.ir/article-1-1590-fa.html

محمدزاده، ع.، حسن‌زاده، س.، شکوهی یکتا، م.، و قاسم‌زاده، س. (۱۴۰۳). مرور نظام‌مند برنامه‌ی آموزش والدین هانن بر مهارت‌های ارتباطی، تعاملی و زبانی کودکان با اختلال طیف اتیسم. *فصلنامه روان‌شناسی افراد استثنایی*، ۵۳(۱)، ۱-۴۱. https://doi.org/10.22054/jpe.2023.67926.2455

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]

Backhaus, S., Leijten, P., Jochim, J., Melendez-Torres, G. J., & Gardner, F. (2023). Effects over time of parenting interventions to reduce physical and emotional violence against children: A systematic review and meta-analysis. *EClinicalMedicine*, *60*, Article 102003. https://doi.org/10.1016/j.eclinm.2023.102003

Bayar, M. E., Kulaksiz, T., & Toran, M. (2026). How does parental media mediation regulate the association between digital parental awareness and the parent-child relationship? *Early Childhood Education Journal*, *54*(2), 773–787. https://doi.org/10.1007/s10643-025-01879-x

Beelmann, A., Arnold, L. S., & Hercher, J. (2023). Parent training programs for preventing and treating antisocial behavior in children and adolescents: A comprehensive meta-analysis of international studies. *Aggression and Violent Behavior*, *68*, 1–12. https://doi.org/10.1016/j.avb.2022.101798

Betancourt, J. A., Alderson, R. M., Roberts, D. K., & Bullard, C. C. (2024). Self-esteem in children and adolescents with and without attention-deficit/hyperactivity disorder: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*, 102394. https://doi.org/10.1016/j.cpr.2024.102394

Chasson, M., Ben-Shlomo, S., & Lyons-Ruth, K. (2025). Early parent–child relationship in the shadow of war-related trauma: A systematic review. *Trauma, Violence, & Abuse*. https://doi.org/10.1177/15248380251325222

Dewi, D. T. K., Nguyen, C. T. T., Chen, S. R., Lee, G. T., Tsai, S. Y., Huda, M. H., & Kuo, S. Y. (2025). Effectiveness of parenting interventions on self-efficacy, anxiety, stress, and depression among parents of preterm infants: A systematic review and meta-analysis of randomized control trials. *International Journal of Nursing Studies*, *169*, 105128. DOI: 10.1016/j.ijnurstu.2025.105128

Dumka, L. E., Stoerzinger, H. D., Jackson, K. M., & Roosa, M. W. (1996). Examination of the cross -cultural and cross -language equivalence of the parenting self-agencymeasure. Family Relations, 45, 216 -222 . https://doi.org/10.2307/585293

Duncan, G., Kalil, A., Mogsted, M., & Rege, M. (2023). Chapter 1: Investing in early childhood development in preschool and at home. In E. A. Hanushek, S. Machin, & L. Woessmann (Eds.), *Handbook of the Economics of Education* (Vol. 6, pp. 1-91). Elsevier. DOI:10.2139/ssrn.4101452

Elshanum, D. C. (2024). The role of parents in enhancing self-esteem of school-age children: Exploring parenting styles, involvement, and socioeconomic factors. *Acta Psychologia*, *3*(3), 11-121. https://doi.org/10.35335/psychologia.v3i3.65

Florean, I. S., Dobrean, A., & Balazsi, R. (2025). From parenting self-efficacy to child externalizing problems: The role of perceived parent stress and practices. *Family Relations*, *74*(4), 2185-2200. DOI:10.1111/fare.70000

Gerard, A. B. (1994). *Parent-Child Relationship Inventory (PCRI) manual.* Western Psychological Services.

Grunberg, V. A., Presciutti, A., Vranceanu, A. M., & Lerou, P. H. (2025). Parental self-efficacy and personal time help explain impact of parent-staff interactions on parental distress and bonding in the neonatal intensive care unit. *The Journal of Pediatrics*, *276*, 114300. https://doi.org/10.1016/j.jpeds.2024.114300

Liao, X., Ruggiero, J. P., Bard, D. E., Rosen, A. F., & Skowron, E. A. (2026). Effects of parent–child interaction therapy dosage on child and parent outcomes: Differentiating child-directed interaction and parent-directed interaction session impacts in child welfare-involved families. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. https://doi.org/10.1111/jcpp.70106

Liu, C., Ren, M., Han, X., Xia, Y., & Ding, D. (2026). Mindful parenting and parent-child relationship quality: a dyadic perspective and mediating role of parenting self-efficacy. *Current Psychology*, *45*(2), 154. DOI:10.1007/s12144-025-08548-7

Marquet-Doleac, J., Biotteau, M., & Chaix, Y. (2024). Behavioral parent training for school-aged children with ADHD: A systematic review of randomized control trials. *Journal of Attention Disorders*, *28*(3), 377-393. https://doi.org/10.1177/10870547231211595

Neshati, M. R., & Sadeghinezhad, S. (2025). Investigating the effectiveness of parenting education based on choice theory on improving children's self-esteem and self-efficacy. *Journal of Emergency Health Care*, *14*(1), 1-6. http://intjmi.com/article-1-1243-en.html

Pakrosnis, R., Strazdienė, R., & Jonynienė, J. (2025). The effectiveness of the Systematic Training for Effective Parenting (STEP) for enhancing the parenting behaviors among parents of adolescents. *The Family Journal*. https://doi.org/10.1177/10664807251384183

Sarfaraz, B., Malik, A. A., & Nadeem, R. (2024). Examining the regression analysis of teacher acceptance on school children's self-esteem. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*, *12*(1), 597-604. DOI:10.52131/pjhss.2024.v12i1.2103

Sun, J., Guo, H., Jiang, W., Chen, X., Wu, F., Zhuang, Z., & Lin, Z. (2025). A chain mediation model of parent child relationship and academic burnout of adolescents. *Scientific Reports*, *15*(1), 7379. https://doi.org/10.1038/s41598-025-92214-2

Trong Dam, V. A., Do, H. N., Thi Vu, T. B., Vu, K. L., Do, H. M., Thi Nguyen, N. T., … & Ho, R. C. (2023). Associations between parent-child relationship, self-esteem, and resilience with life satisfaction and mental wellbeing of adolescents. *Frontiers in Public Health*, *11*, 1012337. https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1012337

Van der Oord, S., & Tripp, G. (2020). How to improve behavioral parent and teacher training for children with ADHD: Integrating empirical research on learning and motivation into treatment. *Clinical Child and Family Psychology Review*, *23*(4), 577-604. https://doi.org/10.1007/s10567-020-00327-z

Xu, Y., & Qiao, L. (2025). Digital screen exposure and emotional symptoms in preschool children: Mediation by parent–child relationship and moderation by peer relationships. *Frontiers in Psychology*, *16*, 1584919. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1584919

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-07]